

پیشگفتار

تحصیل در حوزه معارف اسلامی و خصوصاً دانش فقه بدون فراگیری مباحث عمیق فقهی و اصولی متداول در حوزه‌ها تقریباً بلکه تحقیقاً کار بیهوده‌ای است. مباحث فقهی و اصولی نیز آن چنان مفصل تنظیم شده که شاید با توجه به محدودیت دوران تحصیل در دانشگاه تدریس و تعلیم آن غیر ممکن می‌نماید. حتی در خود حوزه‌های علمیه نیز با توجه به انباشت حجم وسیع اطلاعات و پیوستگی و تضارب اندیشه‌ها و کثرت مسائل مستحدثه نگرش به تهذیب را تقویت کرده است.

این رویکرد حتی سابق بر این نیز بر اندیشه فقیهان و ادبا سایه افکنده بود، مختصر تفتازانی و شرح اللمعه شهید ثانی را که بدون تردید تهذیبی از مسالك است می‌توان از جمله آثار این رویکرد دانست.

اما این نیاز با توجه به انتظار دنیای امروز و استقبال گرم از اندیشه‌های حوزوی که شاید مرهون انقلاب اسلامی باشد بیش از پیش در حوزه‌های علمیه و با شدت بیشتر در دانشگاه‌ها خودنمایی می‌کند.

از طرف دیگر مقاومت بدنه علمی حوزه‌ها و دانشگاه‌ها در مقابل تألیفات جدید ضرورت تحریر کتب غنی علمی گذشتگان را ایجاب کرده است اگرچه در بسیاری از موارد کار تحریر از تألیف دشوارتر باشد.

این حقیر با درک این ضرورت اجتناب‌ناپذیر کار را با این نگرش آغاز کردم که فراگیری علوم حوزوی دانشجویان برای رشته‌های فقه و حقوق اسلامی لازم است و از طرف دیگر حجم وسیع اطلاعات فقهی اگرچه خالی از فایده علمی نیست، اما در اهمیت ارزش یکسانی ندارند و اینک که کوتاهی زمان تحصیل محدودیت‌هایی را به ما تحمیل می‌کند لازم است تا مطالب علمی با درجه اهمیت

بالا تر انتخاب و در قالب تحریر عرضه شود.

تحریرالروضه و تحریرالاصول که بارها به زینت طبع آراسته شده با استقبال خوبی که از آن حتی در حوزه‌ها به عمل آمد نشان تأیید نگرش جدید به تحریر کتب پیشینیان است؛ اما این استقبال بنده را واداشت تا با بازنگری و اصلاح جزوه‌های خود در درس فقه (در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری) آنها را در اختیار سایر علاقه‌مندان و عاشقان معارف حوزوی قرار دهم.

به طور طبیعی این اثر به مانند سایر آثار این حقیر مصون از کوتاهی و شاید اشتباهات نباشد امیدوارم دوستان و عزیزان مشغول به تدریس و تحصیل دروس فقه استدلالی در مقاطع ارشد و دکتری که این نیاز را بیشتر از همگان احساس کرده‌اند با نقدها و اصلاحات پیشنهادی خود بر غنای علمی متن بیفزایند.

با تشکر

سید محمد رضا آیتی

مقدمه استاد ابوالقاسم گرجی

از همان ابتدا که به تدریس فقه و اصول در دانشگاه مشغول شدم پیوسته این احساس در یاد و خاطره‌ام موج می‌زد و تقویت می‌شد که خوب است دانشجویان خصوصاً در حوزه الهیات و معارف اسلامی از میراث گران‌قدر حوزه‌های علمیه که با تلاش هزار ساله فقها بارور شده بود بهره‌مند می‌شدند؛ اما محدودیتهای موجود در دانشگاهها استفاده متعارف از علوم حوزوی را با مشکل جدی مواجه می‌ساخت. دانشجویان و اساتید دانشگاهها نمی‌توانستند تا ژرفای قیل و قالهای حوزوی، که گاهی ثمره‌های علمی و عملی آنها به غایت اندک می‌نمود، وارد شوند.

از طرف دیگر جدا سازی مباحث ضروری از غیر آن و اولویت‌بندی آنها نیز خود طرحی قابل توجه بود که اگر چه مورد علاقه و اهتمام وافر این جانب بود اما توفیق یار نمی‌شد تا آن را به انجام رسانم. شاید اشتغالات علمی دیگر فرصتی را برای این مهم در اختیار این جانب قرار نمی‌داد، اما به حمد الله دوست و همکار ارجمندم جناب آقای دکتر سید محمدرضا آیتی که سابقاً این مهم را در کتاب شرح لمعه با عنوان *تحریر الروضه* و در کتاب *اصول فقه* با عنوان *تحریر الاصول* به انجام رسانیده بودند و با استقبال خوب دانشجویان هم مواجه شده بودند، اینک این رسالت را در کتاب *مکاسب شیخ اعظم*، که به حق کتابی ارزشمند، مجتهدپرور و حاوی اصول، فواید و نکات علمی بسیار است، دنبال نمودند تا آن را به صورت منقح در اختیار دانشجویان دانشکده‌های حقوق و الهیات در مقاطع عالی قرار دهند.

امیدوارم این کتاب که از طرف ایشان *تحریر المکاسب* نام گذاری شده و به

درستی میراث علمی فقها را به صورت منقح و متناسب با فضا و محدودیتهای دانشگاهی برای دانشجویان مهیا نموده و اینک آماده چاپ شده است تا پایان ادامه یابد و زمینه بهره‌مندی دانشجویان را از میراث گرانسنگ فقها بیش از پیش فراهم سازد.

در پایان از خداوند متعال برای ایشان آرزوی موفقیت دارم.

ابوالقاسم گرگی

۸۷/۱۱/۲۳

مقدمه دکتر علیرضا فیض

در کتاب *ویژگیهای اجتهاد و فقه پویا* (۱۳۸۲، ص ۱۴۸) گفته‌ام:

دنیای امروز هرگز نمی‌پذیرد که یک کتاب سالهای متمادی محور درس و بحث و شرح و حاشیه قرار گیرد. در دنیای متمدن امروز که جهان و تمام علوم و معارف بشری به سرعت رو به کمال می‌روند شایسته است که دست کم هر چند سال یک بار در کتابهای درسی تجدید نظر شود.

درباره کتابهای فقه که در دانشگاهها تدریس می‌شود سخن بسیار است و چه خوب است اگر مباحث کم‌فایده و بی‌فایده که برای دانشجو جز تضییع عمر ثمره دیگری ندارد هر چه زودتر کنار گذاشته شود و به مسائلی که در جامعه امروز مورد نیاز است توجه بیشتری مبذول شود.

بحثهایی از قبیل عتق و ایلاء و مسائلی که نه مورد نیاز است و نه سودمند و نه دردی را از جامعه دوا می‌کند و نه گرهی را می‌گشاید، رها شود و مباحث اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، فقه و حقوق اسلامی در کتابهای حقوقی دنبال و عنوان شود.

در همان کتاب افزوده‌ام: به امید روزهایی که فقهای مآل اندیش و دلسوز به اسلام و استادان حقوق و فقه، کتب قدیمی فقه را به طور کلی تجدید نظر و بررسی کنند و به کم و بیش کردن مطالب آنها و تحریر و تنقیح و ویراستاری آنها همت گمارند و این کار بسیار لازم و مورد نیاز مبرم است.

از قول یکی از اساتید حوزه که در راه اصلاحات گام برمی‌دارد، مرادم آیت‌الله جناتی است، نقل کرده‌ام که: مهم‌ترین موضوع در تدوین و تهذیب متون و کتابهای حوزوی و اصولاً در طرح مسائل فقهی و مباحث اصولی که باید مورد توجه قرار گیرد پیراستن متنها از مطالب غیرضروری و فرضیه‌های تحقق‌ناپذیر و مسائل

سرگرم کننده و بی ثمر است.

طرح برخی موضوعات و فرضها که بار علمی و مفید نداشته و نخواهد داشت به بهانه اینکه طرح موضوعات پیچیده و مشکل و حتی داشتن متنهای غامض، ذهن طلبه و دانشجو را تقویت می بخشد و او را به تحقیق وامی دارد هرگز پذیرفته نیست؛ زیرا در شرایط امروز، نیازهای متزاید جامعه رو به سرکشی نهاده و حوزه‌ها و دانشگاهها باید این تشنه بی تاب را از نظر مباحث عقیدتی، اخلاقی، فقهی، حقوقی، اقتصادی و خلاصه از نظر فرهنگی سیراب سازند و در چنین شرایطی تساهل هرگز روا نیست (کتاب *ویژگیهای اجتهاد و فقه پویا*، ص ۱۴۵).

اینک مواردی از مطالب زاید و بیهوده، یا کم فایده که در کتابهای فقهی و اصولی راه یافته و ذکر این مسائل زاید و بی ثمر را از قول برخی از خود اصولیین بزرگ به طور کوتاه و خلاصه می آورم. این ایرادها را از کتب بعضی از اصولیین و از جمله کفایه محقق آخوند خراسانی جمع آوری کرده‌ام:

تعریفها و حد و رسمها برای موضوعات فقهی و اصولی که به طور معمول از سوی فقها و اصولیین در کتابهای آنان آورده شده و شاید این تعاریف یک سوم هر کتاب اصولی و فقهی را اشغال کرده باشد همه تعریفهای لفظی است، زیرا معمولاً در علوم طبیعی و طبیعیات فقط تعریف منطقی و حد و رسم وجود دارد و صحیح است و در علوم انسانی و غیره تعریف منطقی و حقیقی وجود ندارد و همه آنها لفظی است.

محقق خراسانی در موارد چندی از کتاب کفایه در رأس شاید همه موضوعات اصولی به صراحت این نظر را بیان کرده و خود در هیچ جای آن کتاب هیچ تعریفی برای هیچ اصطلاح اصولی نیاورده است.

او خود در مواردی می گوید: اهل فن یعنی علمای اصول این موضوع را به یک تعریف، یا گونه‌های مختلف تعریف کرده‌اند و نقض و ابرامها درباره آنها شده که عکس و طرد ندارد و جامع و مانع نیست در حالی که آن تعاریف لفظی است و هیچ فایده‌ای ندارد و هیچ اثر فقهی یا اصولی بر آن بار نمی شود.

دیگر اینکه بحث از حقیقت شرعی یا متشرعی (متشرعه) در اصول فقه هیچ

فایده‌ای دربر ندارد. دیگر اینکه بحث اشتراک و نیز بحث از مشتق برای فقه هیچ فایده‌ای ندارد.

دیگر اینکه مسئله ضد که برای اولین بار شیخ بهایی ثمره فقهی آن را انکار کرده باید از کتاب حذف شود.

دیگر خطابات شفاهی قرآن از قبیل یا ایها المؤمنون که آیا شامل معدومین زمان خطاب، یا غائبین مجلس خطاب می‌شود یا خیر بیهوده است.

دیگر اینکه در بحث عام و خاص دوران امر میان تخصیص و نسخ نیز به کلی برای فقه بی فایده است.

و موضوعات دیگری که تفصیل آنها در کتاب *ویژگیهای اجتهاد و فقه پویا* ذکر شده است.

بنابراین تجدید نظر از سوی دوست دانشمند و گرامی جناب آقای دکتر آیتی، و نگاشتن کتابهای *تحریرالمکاسب* و *تحریرالاصول* و *تحریرالروضه* که در دو کتاب آخر دوست دانشمند آقای علیرضا امینی نیز با ایشان همکاری و معاضدت داشته‌اند باید از سوی اولیای دانشگاهها و نیز از سوی همه اهل علم و دوستان دانش و پیشرفت جامعه تقدیر شود.

تحریر یک کتاب از تألیف کتاب مشکل‌تر و جان‌فروستر است و آنان که این کار سخت و عظیم را وجهه همت خود قرار می‌دهند باید بیش از یک مؤلف کهنه کار تشویق و تأیید شوند و از کوششهای آنان تقدیر شود و فضیلتی دیگر نیز باید به آنان اقتدا کنند.

سخن آخر اینکه تحریرها و تلخیصها و تجدیدنظرها در کتب درسی که به وسیله رئیس دانشکده الهیات و فلسفه دانشگاه آزاد اسلامی آقای دکتر سید محمدرضا آیتی در سه کتاب مذکور انجام گرفته کاری بسیار لازم و شایسته و درخور تکریم است که باید سرمشق سایر استادان و متصدیان امور و پیش‌کسوتان دانشگاه قرار گیرد تا تألیفات جدیدی مشتمل بر مطالب و مسائل نو برای دانشجویان به رشته تحریر درآید.

دکتر علیرضا فیض